



# تبیین نقش فضاهای شهری در پیشگیری از وقوع جرم و ایجاد امنیت

دکتر حسین حاتمی نژاد

عضو هیأت علمی گروه جغرافیا دانشگاه تهران

محمد فعلی

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران

بابر منصوری

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران

## چکیده

ارتكابی قرار بگیرد. در این مقاله، به روش توصیفی و تحلیلی و به کمک منابع کتابخانه‌ای و بهره جستن از نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسان و برنامه‌ریزان شهری، تبیین نقش فضاهای شهری در پیشگیری از جرم و ایجاد امنیت برای شهروندان دنبال شده و راهکارهای لازم پیشنهاد گردیده است.

## امنیت و فضای شهری

امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است. امنیت در مورد افراد به این معناست که مردم هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته به هیچ وجه حقوق ایشان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آن‌ها را تهدید نکند. لزوم و ضرورت امنیت در جامعه به این مفهوم، از طبیعت حقوق بشری ناشی می‌گردد و لازمه‌ی حقوق و آزادی‌های مشروع، مصونیت آنها از تعرض و دور ماندن از مخاطرات و تعدیات امنیت است. مخاطره شامل هر نوع عوامل احتمالی است که منجر به نقض حقوق مشروع افراد می‌شود. در واقع امنیت عبارت است از: «جلوگیری از نقض و تعرض بالفعل». گاهی اوقات نیز امنیت در برابر احساس وحشت و خوف و خطر مطرح می‌شود. قرآن کریم نیز امنیت را از ویژگی مؤمنان بر می‌شمارد. (سوره‌ی قلم، آیه ۹)، همچنان که شهری که در آن امنیت باشد، از مثل الگوهای قرآنی است (نحل، آیه ۱۱۲) (گروسی و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۲).

تعاریف لغوی امنیت در فرهنگ‌های لغت عبارتند از: در امان بودن، آرامش و آسودگی، حفاظت در مقابل خطر، احساس آزادی از ترس، احساس ایمنی و رهایی از تهدید. ریشه امنیت در لغت از استیمان و ایمان و ایمنی و به مفهوم آرامش در برابر ترس، رعب و نگرانی است و امنیت یعنی در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن. امنیت همچنین عبارت است از: رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستمر (میرعرب، ۱۳۷۹: ۱۳۳).

ریشه لاتین امنیت واژه *securus* می‌باشد که در لغت به معنای نداشتن دله‌ره و دغدغه است. انسان در زندگی خود باید پاسخگوی مجموعه‌ای از نیازها باشد. این نیازها، همان گونه که مازلو می‌گوید، حالت کاملاً سلسله

با افزایش رشد شهرنشینی در بسیاری از نواحی جهان، بویژه در کشورهای در حال توسعه بر مشکلات و نارسایی‌های زندگی شهری افزوده شده است. از جمله‌ی این مشکلات می‌توان به افزایش جرم و جنایت در شهرها و ناامنی اشاره کرد. بسیاری از جامعه‌شناسان و برنامه‌ریزان شهری بر نقش و تأثیر کالبد و فیزیک شهرها و طراحی فضاهای شهری در پیشگیری و کاهش جرم توافق نظر دارند و اصول طراحی و راهکارهای لازم را پیشنهاد و ارائه نموده‌اند. در این مقاله، که به روش توصیفی و تحلیلی و به کمک منابع کتابخانه‌ای و بهره جستن از نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسان و برنامه‌ریزان شهری، نگاشته شده، به تبیین نقش فضاهای شهری در پیشگیری از جرم و ایجاد امنیت برای شهروندان، پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: جرم، فضاهای شهری، امنیت، دسترسی، کانون‌های جرم خیز

## مقدمه

از یک دید کلی جرم شامل رفتاری است مخالف نظم اجتماعی که مرتکب آن‌را در معرض مجازات یا اقدامات تأمینی (تربیتی، مراقبتی و درمانی) قرار می‌دهد. (گلدوزیان، ۱۳۶۹: ۱۴۳) جرم، سازه‌ای اجتماعی است که بر نقض ارزش‌های مشترک جامعه توسط یک فرد یا گروه دلالت دارد. افزایش جرم و تنوع آن در جوامع شهری نه تنها با اصول نظم اجتماعی تعارض دارد، بلکه به همراه خود، هدر رفتن منابع اقتصادی، سرخوردگی شهروندان و وخامت کلی در کیفیت زندگی را به ارمغان می‌آورد و با کاهش امنیت اجتماعی، پایه‌های زندگی اجتماعی را تهدید می‌کند. (احمدآبادی و همکاران ۱۳۸۷: ۲۷) در پیشگیری از وقوع بسیاری از جرائم، فضاهای شهری و کیفیت محیط می‌تواند عامل تعیین کننده باشد. امروزه طراحی محیط به منظور پیشگیری از وقوع جرم بخشی مهم از دانش شهرسازی و عمران شهری را شکل می‌دهد. دسترسی‌ها، نورپردازی، بافت شهرها، گره‌های شهری، بن‌بست‌ها، مسیرهای کم تردد، ایستگاه‌های مترو، پارک‌ها و فضاهای سبز درون شهرها همگی می‌تواند موضوع مورد توجه مسؤولان و مدیران شهری در کنترل فضا به منظور تقلیل میزان جرائم



مراتبی دارند؛ یعنی پس از نیازهای فیزیولوژیک در قاعده هرم، نیاز به امنیت و پس از آن سایر نیازها قرار دارد (سرک زایی، ۱۳۸۵: ۱۳۶).

## نیاز انسان به امنیت

امنیت از دیرباز مهمترین دغدغه انسانها بوده است. از زمان انسانهای اولیه، امنیت به عنوان اساسی‌ترین رکن زندگی پس از آب و غذا مطرح بوده است. آبراهام مازلو - روانشناس انسان‌گرا - ضمن اولویت‌بندی نیازهای اساسی بشر به ترتیب اهمیت، بلافاصله پس از نیازهای فیزیولوژیک (شامل هوا، غذا، مسکن و پوشاک) نیاز به امنیت را در ردیف بعدی قرار داده و سایر نیازهای انسانی را علیرغم ضرورت غیرقابل انکار آنها در اولویت‌های بعدی تلقی می‌کند. زیرا اعتقاد بر این است که در غیاب امنیت و آرامش خاطر، چنین نیازهای انسانی، مفهوم و معنی پیدا نمی‌کند. مازلو معتقد است نیاز به امنیت، از دوره شیرخوارگی شروع می‌شود و در سرتاسر حیات آدمی نقش اساسی دارد و بر رفتارهایش تأثیر می‌گذارد. در سال‌های اولیه کودک نیاز به امنیت عاطفی دارد و سپس سایر نیازها را مثل نیاز به امنیت جانی، امنیت اخلاقی، امنیت مالی و ... را کسب می‌نماید.

بنابراین اگر این نیاز در سطوح مختلف بنا به عللی پاسخ مثبت دریافت نکند، فرد را دچار تنش و اضطراب می‌کند. وی بیان می‌کند که «یکی از نشانه‌های نیاز به امنیت در کودک آن است که وی آن نوع فعالیت‌های عادی و یکنواختی را ترجیح می‌دهد که آرامش او را بر هم نزنند. رفتارهایی که برای کودک تهدید به شمار می‌آید باعث می‌شود که کودک دنیا را غیر قابل اعتماد و ناامن و غیر قابل پیش‌بینی محسوب کند.

مازلو معتقد است که گستره نیاز به امنیت در بزرگسالان وسیع‌تر از آن چیزی است که تصور می‌رود؛ برای مثال گرایش مردم به داشتن دین که جهان و مردم آن را به شکل کلیتی معنی‌دار، منسجم و رضایت‌بخش سازمان دهد، تا حدودی به انگیزه امنیت طلبی مربوط می‌شود. به هر حال هر زمان که جامعه با هرج و مرج، آشفتگی، ظلم و بی‌قانونی روبه‌رو شود، مسأله نیاز به امنیت حتی در افراد بزرگسال به صورت یک نیاز اصلی و برجسته در می‌آید که برای رفع آن باید حرکت‌های اصلاحی را در سطح جامعه گسترش داد. (درانی، ۱۳۸۰: ۱۵)

## تعریف فضای شهر

عام‌ترین تعریفی که از شهر ارائه گردیده است، این است که آن را مکان اسکان گروهی انسان‌ها و محل فعالیت‌های آنها می‌دانند. بر طبق نظر این عده، شهر فقط ساختمان نیست بلکه مکان انسان‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های اجتماعی، طبقات، خانواده‌ها و غیره می‌باشد. دراکتر تعاریف، مفهوم شهر با توجه به سه جنبه اساسی مطرح می‌گردد: گروه‌ها و طبقاتی که در شهر زندگی می‌کنند؛ سابقه و قدمت شهر که معرف تمدن انسانی است؛ شیوه سکونت که برگرفته از فرهنگ شهروندان است (ربانی، ۱۳۸۵: ۱).

«فضای شهری عنصر ضروری زندگی سالم شهری است» (پارسی، ۱۳۷۹: ۲). پس می‌توان نتیجه گرفت که شهر مکان کنش‌های اجتماعی افراد در

فضاهای مختلف برای گروه‌های اجتماعی است و بستر مطالعه پدیده‌ها و به عبارتی آزمایشگاه جامعه‌شناسی است (ربانی، ۱۳۸۵: ۶).

فضای اجتماعی شهر: شامل مجموعه‌گویی‌هایی است که، فضای شهر را از جنبه‌های ذهنی انسانی (رفتارها، کنش‌ها و اخلاقیات) و نحوه نمایش آنها در سطح شهر که توسط کنشگران در زندگی شهری ارائه می‌شود، بیان می‌دارد. (مدیری، ۱۳۸۵: ۱).

## ویژگی‌های یک فضای امن شهری

به عنوان یک اصل کلیدی، برنامه ریزان شهری باید به این نکته توجه کنند که شهرها باید به گونه‌ای ساخته شوند تا حداقل نیازهایی از این قبیل را تأمین کنند:

– افراد بتوانند ببینند و دیده شوند.

– بشنوند و شنیده شوند.

– بتوانند کمک کنند یا فرار کنند.

و در نتیجه نباید در شهرها محلی برای تحریک جرم و نا امنی وجود داشته باشد و بالعکس باید همواره با مداخلات فیزیکی و اجتماعی محیط را منسجم و روح وحدت را در فضاهای عمومی شهری حاکم گردانید.

بطور کلی برخی از ویژگی‌های یک فضای امن شهری را می‌توان به شرح زیر بیان داشت:

– در یک فضای امن و راحت مردم تمایل دارند که یکدیگر را ببینند و آن فضا قابلیت اجتماعی شدن<sup>(۱)</sup> خواهد داشت.

– اتصالات به پیرامون آن فضا (دسترسی‌ها) راحت‌تر صورت می‌گیرد.

– مکان خوبی برای انجام یکسری از فعالیت‌ها می‌شود.

– آن فضا جذاب می‌شود و در اذهان باقی می‌ماند.

بطور کلی یکی از نشانه‌های اصلی یک فضای امن شهری رونق و حیات جاری در آن است. شایان یادآوری است که حتی اداره‌های مربوط به تأمین امنیت از جمله پلیس نیز تأیید کرده‌اند که تأمین امنیت یک مکان پر رونق برای آنها بسیار راحت‌تر از یک مکان خالی از همان نوع است.

در پروژه فضای امن، که در سال ۲۰۰۲ مطرح گردید، برای یک فضای امن چهار ویژگی تعیین شده است:

– بهره‌وری: مردم انتظار دارند از شرایط محیطی و امکانات یک فضا برای فعالیت‌های خود استفاده کنند. فضای خالی از فعالیت، نیاز به امنیت ندارد. اگر مردم در فضای اجتماعی، امنیت لازم را برای فعالیت‌های خود احساس نکنند، از حضور در فضاهای اجتماعی امتناع می‌ورزند.

– قابلیت دسترسی و ارتباط: یکی از معیارهای ارزیابی محیط امن، قابلیت دسترسی به امکانات موجود در آن است.

– راحت بودن و احساس آرامش: مردم ضمن آن که راحت بودن در فضا را مشاهده می‌کنند، باید تصور ذهنی خوشایندی از آن داشته باشند.

– داشتن روابط اجتماعی: مردم باید در روابط اجتماعی خود با دیگران در یک فضا احساس امنیت کنند و بتوانند در شبکه تعاملی فعال شوند.

(سفیری، ۱۳۸۷: ۱۴۷)

پیوند مفهوم شهر و جرم از زمانی که جامعه‌شناسی هویت علمی و



و به عکس، برخی از فضاها مانع و بازدارنده ارتکاب جرایم در درون خود هستند. از طرفی نیز به تحقیق ثابت شده است که مجرمان در ارتکاب جرم اغلب دست به انتخاب‌های منطقی می‌زنند و به دنبال ساده‌ترین، کم خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط مکانی و زمانی برای ارتکاب جرم هستند (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۱)

آنچه مسلم می‌نماید، این است که تمامی رفتارهای بشری در مقطع مکانی و زمانی خاصی رخ می‌دهند. از جمله این رفتارها کجروی‌های اجتماعی است که در بستر مکانی و زمانی منحصر به فرد شکل می‌گیرد. نکته در خور اهمیت اینکه توزیع جغرافیایی جرایم تحت تأثیر متغیرهای محل و زمان وقوع بزه، مرتکب جرم و قربانی بزه قرار دارد. تحقیقات نشان می‌دهد که در برخی از مکان‌های شهر به علت ساختار کالبدی ویژه و مشخصه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان و استفاده کنندگان این مکان‌ها، امکان و فرصت بزهکاری بیشتر است؛ و به عکس، در برخی از محدوده‌های شهری به دلیل وجود موانع و شرایط بازدارنده میزان بزهکاری اندک است. هر جرم دارای ظرف مکانی و زمانی منحصر به فردی است که آن را از دیگر رفتارها متمایز می‌سازد و باعث می‌شود تا رفتار مجرمانه در واحد مکان، توزیع فضایی یکسانی نداشته باشد. برخی مکان‌ها به لحاظ ساختار کالبدی خاص، نوع فعالیت و ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی ساکنین آن، امکان و فرصت بیشتری را برای وقوع جرم فراهم می‌کنند و مجرمان انگیزه‌دار را - که بر اساس انتخاب عقلانی به دنبال کم‌خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط مکانی برای ارتکاب عمل مجرمانه می‌باشند- به سوی خود جذب می‌نمایند.

توجه به مکان، به عنوان عامل بی‌واسطه در وقوع جرم، در مقایسه با عوامل فردی یا ساختاری این امکان را محقق می‌سازد تا راهکارهای عملی‌تری برای پیشگیری از جرم ارائه گردد. از سوی دیگر تحلیل فضایی جرم در شهرها به شناسایی الگوهای رفتار مجرمانه، کشف کانون‌های جرم خیز و در نهایت به تغییر این شرایط و خلق فضاهای مقاوم در برابر جرم و رفع ناهنجاری‌های شهری کمک می‌کند. از این رو بررسی‌های مکانی از اهمیت بسزایی در مطالعه‌ی جرم برخوردار بوده و ضرورت بررسی موضوع را دوچندان می‌نماید.

عمده دیدگاه‌های نظری معاصر در جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی که به بررسی جرم می‌پردازند و مکان را به عنوان هسته‌ی اصلی تبیین در نظر دارند عبارتند از:

الف) مکتب بوم‌شناسی شیکاگو

ب) رهیافت فرصت، شامل تئوری فعالیت روزمره و تئوری انتخاب عقلانی.

ج) رهیافت پیشگیری مکانی جرم، شامل پیشگیری جرم از طریق طراحی محیط، و پیشگیری وضعی از جرم. (احمد آبادی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۵۵-۲۵۷)

الف) مکتب بوم‌شناسی شیکاگو

نظریه بوم‌شناسی در مکتب شیکاگو توسط اندیشمندی چون رابرت پارک و وارنست برگس مطرح گردید. آنها در تبیین انحرافات اجتماعی بر متغیرهایی که با پدیده‌ی شهرنشینی ارتباط داشت نظیر مهاجرت، حوزه‌های سکونتی، تراکم جمعیت تمرکز نموده‌اند. جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو از

مستقلی یافت همواره در کنار یکدیگر مورد بررسی قرار گرفته‌است. پارک<sup>(۱)</sup> و برگس<sup>(۲)</sup> در تبیین شیوع انحرافات و آسیب‌های اجتماعی شهر شیکاگو بر پدیده شهرنشینی متمرکز شده و بر زبان، قومیت، مهاجرت، حوزه‌های سکونتی و تراکم جمعیت تأکید ورزیده‌اند.

وجود چنین پتانسیل‌هایی در زندگی شهری موجب آن می‌شود که ساکنین شهرهای بزرگ در زمینه برخورد یا چگونگی مواجهه با جرائم پیشرو دچار نگرانی‌ها<sup>(۳)</sup> و ترس‌هایی<sup>(۴)</sup> باشند. در واقع پنداشت جرم به برداشت یا پنداشت شهروندان در خصوص وضعیت جرائم در شهر یا محل سکونت شان ارتباط می‌یابد. این چنین پنداشتی بر سایر ابعاد ذهنی شهروندان نیز تأثیر خواهد نهاد و باعث تقویت یا تعدیل آن چیزی خواهد شد که در جرم‌شناسی ترس از جرائم نامیده می‌شود. در دهه‌های گذشته این مفهوم اهمیت به سزایی یافته و تحقیقات مختلفی در زمینه سنجش آن انجام شده است.

ارتباط بین شهر و جرم از آن روست که ویژگی‌های فضایی-محیطی می‌تواند پرورش دهنده جرائم خاصی باشد. نکته اساسی آن است که شرایط عینی و کالبدی زندگی شهری می‌تواند روابط شهروندان با شهر را محدود سازد. ریشه این محدودسازی تعاملات با شهر نگرانی و ترس آنان از تعرض اعمال و رفتارهای مجرمانه است. شهروندان برای کاهش آسیب‌ها و ضررهای چنین تعرضی ترجیح می‌دهند تا محیطه بده بستان خود را با شهر محدود کنند (علیخواه و ربیعی، ۱۳۸۵: ۱۱۱).

در این دیدگاه استدلال بر آن است که برخی فضاهای شهری به گونه‌ای است که زمینه ترس بیشتری را فراهم می‌آورند. عدم وجود نورکافی در خیابان، خوابیدن بی سرپناهان و معنادان در کنار خیابان و نبود پیاده رو در اتوبان‌ها از آن جمله‌اند. در سال ۱۹۷۲ اسکار نیومن نظریه فضای قابل دفاع<sup>(۵)</sup> را به عنوان ابزاری جهت کاهش جرم در نواحی شهری ارائه داد. او معتقد بود که فضاهایی که امکان دیدن و دیده شدن در آنها بیشتر باشد و در ضمن امکان کمی برای فرار فراهم آورند پتانسیل کمتری برای فعالیت مجرمان فراهم می‌آورند. از این رو برای مثال استدلال می‌شود که نرده‌ها و پرچین‌ها می‌توانند به عنوان موانع فیزیکی تلقی شوند و وجود نشانه‌های دیده‌بان محله‌ای<sup>(۶)</sup> حاکی از نظارت مردم بر همدیگر و مواظبت از یکدیگر باشد (طاهری خورانی، ۱۳۸۱: ۱۹۶).

## مکان و جرم

از دیر باز شناسایی عوامل محیطی و مکانی بروز جرم و سعی در از بین بردن این عوامل و یا کاهش تأثیرات آن مهم‌ترین راهکار افزایش ایمنی و پیشگیری از وقوع ناهنجاری‌ها شناخته شده است، چرا که ناهنجاری‌های اجتماعی به هر نحو که از انسان سر بزند دارای بستر و ظرف مکانی و زمانی است که این رفتارها را از یکدیگر متمایز می‌سازد. از این رو تفاوت در ساختار مکانی و خصوصیات رفتاری افراد در کنار عامل زمان موجب شکل‌گیری الگوهای فضایی، زمانی متفاوت جرایم در واحد مکان می‌گردد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که برخی از فضاهای شهری به دلیل ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی شان، میزان یا نرخ بزهکاری بیشتری دارند؛



## دیدگاه انتخاب معقول

نظریه‌ی انتخاب معقول یا گزینش عقلانی جرم بر روند تصمیم‌گیری بزهکار تمرکز دارد و فرض اصلی آن به این صورت است که بزهکاری، رفتار آزادی است که هدف آن سود رساندن به بزهکار است. هر دسته از بزهکاران، محاسبات متفاوتی را در ارتکاب جرم مدنظر قرار می‌دهند. این حسابگری‌ها شرایط انتخاب آماج بزه را تعیین می‌کند. این نظریه به دنبال درک آن است که چگونه بزهکار ارتکاب جرم را انتخاب می‌کند. نظریه‌ی انتخاب معقول این تصور را از بزهکار دارد که وی پیش از عمل، تفکر می‌کند. این نظریه با چارچوب نظری طراحی فضاهای ایمن و کارآمد شهری هماهنگی دارد.

از طریق طراحی می‌توان با ایجاد موانع و سد کردن موقعیت‌های ارتکاب جرم و یا با دشوار کردن ارتکاب جرم از وقوع جرائم پیشگیری کرد. محیط کالبدی می‌تواند از طریق از بین بردن مکان‌های اختفا و یا راه‌های مناسب فرار، مانع از ارتکاب جرم و رفتار مجرمانه شود. محیط کالبدی می‌تواند رفتار شهروندان را در جهت مسؤلیت‌پذیری، مشاهده متخلفان و پیشگیری تغییر دهد.

محیط کالبدی می‌تواند برای سهولت بهره‌گیری شهروندان از محیط شهری و کاهش جرائم، از طریق افزایش کنترل و مراقبت عرصه‌های عمومی و میادین و مداخلات در زمان وقوع جرم، مورد استفاده شهروندان قرار گیرد (همانجا).

ج) رهیافت پیشگیری مکانی جرم، شامل پیشگیری جرم از طریق طراحی محیط، و پیشگیری وضعی از جرم.

## پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی

در سال ۱۹۶۹ جفری اولین کسی بود که نظریه‌ی پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی را ارائه داد. به نظر جفری جامعه‌شناسان به میزان قابل توجهی در عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم از قبیل محرومیت، تأثیرات فرهنگی، خانواده و... اغراق کرده و به عوامل بیولوژیکی و فیزیکی توجه نکرده‌اند. او بر فرصت‌هایی که محیط در اختیار مجرمین قرار می‌دهد تأکید داشت و جرایم گوناگون را ناشی از فرصت‌های محیطی می‌دانست. این نظریه از شش جزء تشکیل شده است که عبارتند از: قلمروگرایی، نظارت، کنترل دسترسی، تصویر محیط سخت، آماج کردن و فعالیت‌های پشتیبانی (کلاتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۵).

## قلمروگرایی

هر موجود زنده‌ای بنا به خصلت خود مدعی قلمرو خاصی است و از آن در مقابل دیگران دفاع می‌کند. هایدگر عقیده دارد که اجزای اصلی قلمرو «مشخص بودن» و «دفاع» از آن است. وی براین باور است که هر حیوان توسط یک سری حباب یا بالون‌هایی با شکل‌های غیر منطقی احاطه شده است که جهت فضایی متناسب، ما بین یکایک جانوران به کار می‌رود. وی این فواصل معین را تشریح می‌کند و آنها را فاصله گریز، فاصله حساس یا بحرانی، فاصله شخصی یا اجتماعی خوانده است (بحرینی، تاجبخش، ۱۳۷۷).

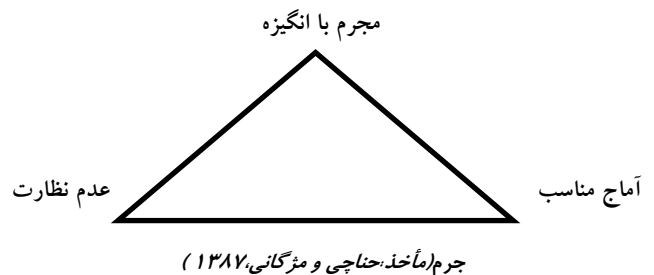
آغاز قرن بیستم برخی از رفتارهای انحرافی نظیر خودکشی، طلاق و فحشا را در شهر شیکاگو با هدف درک تأثیر عوامل بوم شناختی نظیر کیفیت محل سکونت، بر بی‌سازمانی اجتماعی تأکید نموده و جرم و بزهکاری را مورد مطالعه قرار داده‌اند (حمیدی، ۱۳۸۳: ۶۳).

پارک معتقد است که نواحی شهری از پیشرفت و بهبود انگیزه‌های ساکنین جلوگیری نموده و باعث رواج انحرافات اجتماعی می‌گردد. سازمان فیزیکی شهر تأثیر عمیقی بر الگوهای فرهنگی - اجتماعی زندگی شهری می‌گذارد. استارک از دانشمندان مکتب شیکاگو پنج جنبه از ساختار شهری را به عنوان فاکتورهای پیش‌بینی‌کننده‌ی ارتکاب جرم در محلات و کاهش نظارت اجتماعی غیر رسمی برشمرده که عبارت بودند از تراکم، فقر، کاربری مختلط (وجود اقامتگاه، صنایع و فروشگاه‌ها در یک مکان)، کوچگری (ورود و خروج مداوم به آن) و خرابی و فرو ریختگی ساختمان‌ها. (احمدآبادی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۵۸)

ب) رهیافت فرصت، شامل تئوری فعالیت روزمره و تئوری انتخاب عقلانی.

## دیدگاه فعالیت روزمره

نظریه‌ی فعالیت‌های روزمره حاکی از آن است که برای وقوع یک جرم، مجرم بالقوه حتماً باید با یک هدف امیدوارکننده ارتباط برقرار کند و هدف موردنظر (چیزی برای ربودن، و غیره) نباید نگهبان داشته باشد. نگهبان می‌تواند صاحب آن چیز باشد، همسایه آنجا باشد که مراقب آن چیز است و غیره. بعلاوه، این نظریه روی این ایده تمرکز می‌کند که فعالیت‌های عادی (روزمره) هرکس، او را در موقعیتی قرار می‌دهند که این شرایط را بتواند محقق کند. به این سبب، فعالیت‌هایی که فرصتشان پیش می‌آید طبیعتاً تصادفی نیستند، و همچنین این احتمال بیشتر است که یک نفر با یک هدف مناسب نزدیک محل زندگی خود روبه‌رو شود، تا یک هدف دورتر، زیرا آنها اغلب رفت و آمدشان در محل زندگی خودشان بیشتر است. این دیدگاه بر این فرض مبتنی است که برای وقوع جرم باید میان حداقل سه عامل، تقارن زمانی و مکانی وجود داشته باشد. این سه عامل عبارتند از وجود بزهکار احتمالی تحریک شده، وجود آماج بزه دیده و بالاخره فقدان محافظ کارآمد برای جلوگیری از وقوع جرم. (حناچی و مؤگانی، ۱۳۸۷: ۲۳۹) از این رو حذف هر کدام از این عناصر سه گانه و اعمال نظارت می‌تواند جلوی ارتکاب جرم را بگیرد.



نمودار (۱) عناصر سه گانه‌ی مؤثر در ارتکاب جرم



ارتکاب جرم منصرف می‌شود (اسماعیل زاده، ۱۳۸۷: ۳۵). نظارت بر سه گونه است: نظارت طبیعی، نظارت رسمی یا سازمان یافته و نظارت مکانیکی. **نظارت طبیعی:** هنگامی نظارت طبیعی است، که طراحی خانه‌ها به گونه‌ای باشد که افراد درون خانه هم بر فضای اختصاصی و هم بر فضای عمومی و نیمه عمومی اشراف داشته باشند. (جیسون، ویلسون، ۱۳۸۷: ۴۱). این نظارت معمولاً از طریق پنجره‌ها ممکن می‌شود. به عبارت دیگر نظارت غیر مکانی و غیر رسمی است. نظارت طبیعی اشاره به این امر دارد که طراحی باید فضاهایی را ایجاد کند که بهتر در معرض دید ساکنین، همسایگان و رهگذران باشد. به نظر جاکوینز نظارت بدین معناست که ساکنان منازل قادر باشند که حیاط، گاراژ و پارکینگ خیابان را مشاهده کنند. (تورچی بیگی، ۱۳۸۶: ۳۵۱).

**نظارت رسمی یا سازمان یافته:** توسط افرادی که به این کار گمارده می‌شوند مانند محافظان امنیتی یا نگهبانان انجام می‌شود. (همان، ۳۵۱). یکی از مهم‌ترین اشکال نظارت سازمان یافته نظارت همسایگی می‌باشد که سبب کاهش بزهکاری می‌شود، کاهش جرایم مالی، تهدیدهای جنسی و شخصی و بسیاری از جرایم که در نزدیکی یا درون خانه بزه دیدگان اتفاق می‌افتند، از این جمله است (جیسون، ویلسون، ۱۳۸۷: ۴۸-۴۹).

**نظارت مکانیکی:** با بهبود روشنایی و نصب دوربین‌های مدار بسته قابل اجراست.

دوربین مدار بسته: یکی از اقسام نظارت مکانیکی دوربین مدار بسته است. این فناوری جدید می‌تواند در صورتی که با مطالعه قبلی و توجه منطقه نصب شده باشد و با مداخله شایسته و به هنگام همراه باشد، عملکردی موفقیت آمیز داشته باشد. دوربین مدار بسته می‌تواند با افزایش خطر دستگیری مجرمان موجب پیشگیری از جرم شود. مجرمان هنگام ارتکاب جرم به خطر دستگیری بیشتر و شدت مجازات فکر می‌کنند، و چون دوربین مدار بسته این خطر را افزایش می‌دهد نصب آن می‌تواند در پیشگیری از جرم مؤثر باشد (Clarke, 1997: 199). لای کوک<sup>(۸)</sup> (۱۹۹۲) دریافت که نصب دوربین‌های مدار بسته در ایستگاه‌های زیر زمینی لندن، سرعت‌ها را در مقایسه با نیروی انسانی (گروه‌های کنترل) کاهش دادند. و به طور مشابهی دوربین‌های مدار بسته در پارکینگ نیز میزان جرم را در رابطه با ماشین، کاهش دادند (Poyner, 1991: 93). اما در جرایمی که مجرم فاقد «عقلانیت» یا به قول بنتام «حسابگری» است و در مورد مجرمان مختل المشاعر، کودک و یا مجرمان مصمم که فاقد سنجش عقلانی هستند نصب دوربین مدار بسته کارایی بالایی نخواهد داشت. درباره‌ی میزان تأثیر و کارایی دوربین مدار بسته تحقیقات متعدد و متناقضی وجود دارد، علاوه بر این، ارزیابی میزان تأثیر دوربین مدار بسته نیز کار مشکلی است (تورچی بیگی، ۱۳۸۶: ۳۶۰).

### روشنایی

روشنایی به عنوان گونه‌ای از نظارت مکانیکی می‌تواند با ایجاد فضایی امن، بهبود فرصت نظارت و افزایش کنترل اجتماعی غیررسمی، این تصور را در ذهن ایجاد می‌کند که ارتکاب جرم در فضا دیده خواهد شد و در نتیجه جرم با واکنش ساکنان روبه رو خواهد شد. روشنایی تأثیر غیرقابل انکاری در

۱۹-۲۰). عامل قلمرو، نشانه مالکیت یا تحت سرپرستی بودن یک منطقه است که موجب می‌شود ساکنان بر یک منطقه نظارت داشته باشند و هم به طور نامحسوس با اخطار به مجرمین به اینکه در حال قدم گذاشتن به حریم خصوصی افراد هستند مانع کار آنها شوند. همان گونه که اسکار نیومن اظهار می‌دارد طراحی مناسب محیط می‌تواند معین کند که کدام فضا متعلق به چه کسی است. وقتی در اثر طراحی محیط مشخص می‌شود که کدام فضا متعلق به چه کسی است و فضاهای عمومی، خصوصی و نیمه عمومی از یکدیگر تفکیک شدند و ساکنان نسبت به اینها احساس تعلق کردند این مسأله موجب خواهد شد که غریبه‌ها کاملاً از ساکنان متمایز شوند. مکان‌هایی که ما احساس می‌کنیم مال ماست برای اینکه احتمال تجاوز به آن وجود دارد به آنها توجه می‌کنیم و از زندگی در آن لذت می‌بریم همچنین از این مکان‌ها بیشتر محافظت می‌کنیم یا اینکه آنها بیشتر به این مکان‌ها احساس وابستگی و تعلق خاطر می‌کنند. طراحی، برنامه‌ریزی و اداره مکانی کارا و مؤثر به تحریک طبیعی پلیس اجتماعی کمک می‌کند (تورچی بیگی، ۱۳۸۶: ۱۷۷). قلمرو گرایی روشی از طراحی است که بر تقویت افکار مالکانه تأکید می‌کند و یک احساس مالکیت در استفاده کنندگان قانونی آن فضا بوجود می‌آورد که در نتیجه آن فرصت‌های جرم برای بزهکاران با استفاده از ایجاد مانع برای استفاده کنندگان غیرقانونی کاهش می‌یابد. پیش نیاز حس قلمروگرایی در بین مردم مشخص کردن حریم فضاهای عمومی مثل خیابان، فضاهای اجتماعی (مانند فضاهای باز، فضاهای بازی و لباسشویی) و فضاهای خصوصی مثل خانه‌های مسکونی و فضاهای باز خصوصی مثل حیاط منازل است. (جیسون، ویلسون، ۱۳۸۷: ۲۷).

راهبردهای زیر به ایجاد حس قلمروگرایی در ساکنان کمک می‌کنند:

- مجتمع‌های مسکونی را به مجموعه‌ای از چند دسته خانه‌های جدا از هم تقسیم کنید، بدین ترتیب ساکنین همدیگر را بیشتر شناخته و می‌توانند غریبه‌ها به راحتی شناسایی نمایند.

- اطمینان یابید ویژگی‌های طراحی هر مجتمع مسکونی منحصر به فرد باشد زیرا این امر هویت خاصی به مکان می‌بخشد.

- هر فضای باز باید به گروه خاصی از ساکنین تعلق داشته باشد.
- با قرار دادن موانع نمادین و واقعی از ورود افراد غریبه به محدوده‌ی قلمرو ساکنین جلوگیری نمایید.

- برای ساختن ورودی نیمه خصوصی به فضاهای باز و مشترک از بوته‌زار و فضای سبز استفاده کنید. با ایجاد اختلاف ارتفاع یا حصار کشی نیز می‌توانید این ورودی‌ها را بسازید. (همان، ۲۸)

### نظارت

نظارت را می‌توان بخشی از محافظت بالقوه‌ی محله دانست. اگر مجرم تصور کند که در صورت ارتکاب جرم در معرض نظارت و مشاهده قرار خواهد گرفت اگر چه بالقوه این گونه نباشد، احتمال ارتکاب جرم توسط وی کمتر خواهد بود. زیرا وی در «فرایند گذار از اندیشه به عمل» منافع و خطر ارتکاب جرم را می‌سنجد. وی می‌داند که در این محل به دلیل نظارت بالقوه، احتمال دخالت ساکنین، پلیس و نهادها بالا خواهد بود. در نتیجه از



- نصب تجهیزات حفاظت الکترونیکی در سرسرای ساختمان‌ها و پارکینگ‌ها و نصب دوربین‌های مدار بسته از این جمله است.  
- نصب تلفن داخلی، راه‌اندازی بخش پذیرش در ساختمان‌ها و مراقبت دقیق از پیاده‌روهای مجتمع‌های مسکونی راهکار دیگری برای محدود سازی دسترسی بزهکاران به اهداف مجرمانه آنها است.  
- دشوارسازی رسیدن به اهداف مجرمانه از طریق محکم نمودن درها و پنجره‌ها با استفاده از چهارچوب و قفل‌های محکم، نصب روزنه دید روی در و زنجیر پشت بند در، احداث دیوار و نرده و در بعضی موارد نصب آژیر اعلام خطر انجام می‌گیرد. (جیسون، ویلسون، ۱۳۸۷: ۶۲)

### تصویر و نگهداری از فضا

نظریه فضای قابل دفاع بر این نکته تأکید دارد که امنیت و قابلیت زندگی در یک فضا بستگی به درک و تصویری دارد که ساکنان محله‌های مجاور از آن فضا دارند. اگر ساکنان، تصویر بدی از آنها داشته باشند، احتمال ارتکاب جرم در آن فضا بیشتر خواهد شد. ارتقا و بهبود تصویر مثبت از محیط و حفظ و نگهداری مرتب محیط این اطمینان را به ساکنان می‌دهد که محیط فیزیکی کارکرد خود را به طور مؤثر انجام داده و موجب انتقال پیام‌های مثبت به تمام ساکنان و کاربران فضا خواهد شد. به طور قطع تحقیقاتی وجود دارد که نشان می‌دهد هر چه محیط و محله بهتر نگهداری شود علاوه بر اینکه قلمروگرایی را میان ساکنان افزایش می‌دهد احساس تعلق به محله را ارتقا داده و این حس را القا خواهد کرد که محله دارای فضای امن است و کوچکترین خطا و انحرافی در این محله با واکنش روبه رو خواهد شد (فورچی بیگی، ۱۳۸۶: ۶۲). خانه‌ها و فضاهای خالی و بلا تصدی به مانند یک آهن ربا در برابر جرم عمل می‌کنند (Spelmab، ۱۹۹۳: ۴۸).

این بخش از مفهوم نظریه (CPTED) با نظریه پنجره‌های شکسته رابطه تنگاتنگی دارد. یک پنجره تعمیر نشده و شکسته خود نشانه‌ای از این است که هیچ کس نگران نیست، بنابراین پنجره‌های بیشتر هیچ هزینه‌ای ندارد (ویلسون، کلینگ، ۱۳۸۲: ۱۸۱).

### عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم

بانجر<sup>(۹)</sup> (۱۹۱۶) بیان می‌کند که عوامل اقتصادی، عاملی اساسی برای تمام ساختارهای اجتماعی بوده و تأثیرات قابل توجهی نیز روی فعالیت‌های فردی از جمله جرم دارند. به خصوص اگر این عامل اقتصادی سطح فقر و نابرابری درآمدی باشند (علیخواه و نجیبی، ۱۳۸۵: ۳۷).

### فقر

یکی از عوامل بسیار مهم در تبیین جرم، فقر است. این عامل در بسیاری از مطالعات نظری و تجربی مورد توجه جدی قرار گرفته است. تلاش برای تبیین ارتباط فقر و جرم بر اساس ارتباط بین عواملی نظیر سوء تغذیه، خانه مسکونی غیر بهداشتی، ازدحام و شلوغی محل زندگی و انجام فعالیت‌های غیر قانونی که به عنوان نتیجه‌ای از ناامیدی در کنار ناتوانی برای غلبه بر این شرایط است، بررسی می‌شود.

پیشگیری از جرم دارد. روشنایی دو کار انجام می‌دهد: نخست اینکه به کسانی که ناظر یک وضعیت هستند کمک می‌کند که بیشتر و واضح‌تر دیده شوند. دوم اینکه مردم را تشویق به حضور بیشتر در محیط می‌کند. زیرا رؤیت‌پذیری بیشتر موجب احساس امنیت بیشتر و افزایش چشم‌های ناظر بر خیابان می‌شود. بعد از تاریکی هوا فرصت نظارت کم می‌شود و این کمبود از طریق روشنایی جبران می‌شود. تحقیقات زیادی به تأثیر این موضوع پرداخته‌اند. نور و روشنایی القاء کننده حس خوبی به انسان است و هنگامی که فرد از فضای تاریک وارد فضای روشن می‌شود احساس امنیت می‌کند. علاوه بر این، روشنایی می‌تواند با افزایش فرصت نظارت برای افراد و قلمروگرایی در محله و القاء حس امنیت، علاوه بر کاهش جرم بر ترس نیز غلبه نماید (همان، ۳۶۱). مطالعات زیادی در مورد تجهیزات روشنایی، سطوح و استانداردهای روشنایی وجود دارد اما مطالعاتی که به تأثیر روشنایی در میزان جرم و ترس از جرم می‌پردازند اندک است. یکی از موارد استثناء، تحقیق اخیر پیتر و فارینگتون در مورد خانه‌های سازمانی دادلی انگلستان است که نشان می‌دهد بهبود وضع روشنایی نه تنها ترس از جرم را کاهش می‌دهد بلکه باعث می‌شود میزان بزهکاری در محله‌های مجاور کم شود. یک طراحی سیستماتیک در ارزیابی طراحی روشنایی در انگلستان و آمریکا نشان داد که بهبود روشنایی خیابان میزان ۷٪ جرم ثبت شده را در ۸ مطالعه آمریکایی و میزان ۳۰٪ در ۵ مطالعه انگلستان را کاهش داده است. (اخوان، ۱۳۸۱: ۵۸).

### کنترل دسترسی

از این اصل برای کاهش توان دسترسی در جرم خیزی و ارتکاب جرم استفاده می‌شود. برای ایجاد دسترسی مطلوب و کاهش دسترسی مجرمان می‌توان از نظارت‌های عمومی بر معابر و مسیرهای دسترسی به اماکن و فضاهای شهری بهره گرفت (محمودی نژاد، ۱۳۸۶: ۹۴).

کنترل دسترسی بر این نکته تأکید دارد که با محدود کردن دسترسی به آماج می‌توان فرصت ارتکاب جرم را کاهش داد. به عبارت دیگر، با کم کردن ورودی ساختمان به حداقل ممکن می‌توان از میزان آماج جرم کاست. تحقیقات نشان می‌دهد که، مناطقی که دارای ورودی‌ها و دسترسی نامنظم و بی‌قاعده هستند، نسبت به مناطقی که دسترسی و ورودی محدودی دارند، جرایم بیشتری را تجربه می‌کنند (فورچی بیگی، ۱۳۸۱: ۱۵۱). علاوه بر این مطالعات نشان می‌دهد که ابتدای محله یا سرک‌کوچه در مقایسه با خانه‌هایی که در داخل کوچه قرار دارند بیشتر در معرض سرقت هستند. علاوه بر این خانه‌هایی که دسترسی به آنها آسان است مانند خانه‌هایی که در تقاطع و چهارراه‌ها قرار دارند نسبت به خانه‌هایی که دسترسی به آنها محدود است مانند کوچه‌های بن بست میزان سرقت در آنها بیشتر است (فورچی بیگی، ۱۳۸۱: ۳۶۱).

دسترسی بزهکاران به اهداف مجرمانه را به روش‌های زیر می‌توان محدود ساخت:

- افزایش نظارت طبیعی و تقویت حس قلمروگرایی سبب می‌شود تا ساکنان غریبه‌ها را شناسایی کنند، با رفتارهای مشکوک آنها برخورد کنند.



خلوتی محیط از عوامل دیگر در کاهش امنیت و ایجاد موقعیت‌های جرم‌زا محسوب می‌شود. در واقع، هیچ مجرمی نمی‌تواند در محیطی که در معرض دید دیگران است به ارتکاب جرم بپردازد. برای جلوگیری از جرم‌زایی در این محیط‌ها می‌توان با تحرک دادن به آن‌ها، امکان تردد شهروندان را در آن‌ها فراهم کرد. بدین ترتیب خلوتی محیط از بین می‌رود و از شدت جرم‌زایی کاسته می‌شود. به عنوان مثال، در کوچه‌های خلوت، امکان کودک ربایی زیاد است ولی از طرفی هم کودکان نیاز به مکانی برای بازی دارند و به بازی در کوچه‌ها می‌پردازند. می‌توان پارک‌هایی را در سطح محله طراحی کرد که علاوه بر دارا بودن محیط مناسب برای بازی کودکان باعث جذب دیگر افراد هم بشوند تا امکان وقوع جرم کاهش یابد. عامل دیگر ایجاد موقعیت‌های جرم‌زا در شهرها، محل‌های تاریک هستند. مجرم معمولاً در جایی به ارتکاب جرم می‌پردازد که تاریک و دور از نگاه دیگران باشد. وقتی محیط، روشن و در معرض دید دیگران باشد، مجرم جرأت ارتکاب جرم را در این مکان پیدا نمی‌کند و در نتیجه از جرم‌زایی کاسته می‌شود.

عامل پیچیده دیگر، بی‌نظمی محیطی است. بدین معنی که در محیط کالبدی شهر، روابط قاعده‌مندی وجود نداشته باشد. به عنوان مثال، وقتی در مکانی ازدحام جمعیت بلا تکلیف وجود دارد- مانند میدان‌هایی که آدم‌های مختلف و فراوانی، منتظر ایستاده‌اند- احتمال وقوع جرم زیاد است. بی‌نظمی محیطی ممکن است علاوه بر عوامل اجتماعی، ناشی از بی‌ثباتی مقررات شهرسازی هم باشد. این بی‌نظمی، فضای شهری را بلا تکلیف می‌گذارد. وقتی فضای شهر، بی‌ثبات و بلا تکلیف باشد عملاً الگوی ساخت و ساز و الگوی معابر بی‌نظم و نحوه خدمات‌رسانی نامناسب می‌شود.

یکی دیگر از عوامل مؤثر در کاهش امنیت و افزایش جرم و جنایت در شهرها، وجود فضاهای بدون دفاع شهری است. عوامل متعددی در ایجاد این فضاها مؤثر است که مهمترین این عوامل عبارتند از:

الف- عدم سازگاری بین فرم، کارکرد و معنی مهمترین و اصلی‌ترین عامل شکل‌گیری فضاهای بدون دفاع شهری، عدم سازگاری بین فرم، کارکرد و معنی است. با توجه به این اصل که هر فعالیت باید در عرصه‌ای که دارای ویژگی‌های کالبدی و فضایی مشخص و متناسب با آن فعالیت است انجام پذیرد، می‌توان به رابطه بین فرم، کارکرد و معنی پی برد. این رابطه باید به گونه‌ای باشد که کالبد فیزیکی (فرم‌ها)، توانایی جوابگویی به کارکرد و معنی را به صورت توأم دارا باشد.

ب- فضاهای بدون کارکرد یا دارای کارکرد متناوب فضاهای بدون کارکرد در شهرهای بزرگ، به دلیل بورس بازی اراضی شهری و مطرح شدن زمین به عنوان سرمایه‌ای قابل اعتماد، بسیار گسترده است. ساختمان‌های متروک و پروژه‌های عمرانی نیمه تمام که بنا به دلایلی ساخت آن‌ها متوقف شده و همچنین ساختمان‌های خالی از جمله فضاهای بدون کارکرد محسوب می‌شوند و زمینه را برای بروز جرائم شهری فراهم می‌آورند. یکی دیگر از انواع فضاهای بدون دفاع در این رده، فضاهایی هستند که دارای کارکرد متناوب‌اند و در مقاطعی از روز یا فصل و یا سال تبدیل به فضاهای مرده می‌شوند.

شواهد زیادی مبنی بر اهمیت فقر به عنوان عامل مهم و تعیین کننده وقوع جرم وجود دارد. توجیه اساسی نیز در تبیین رابطه فقر و جرم این است که وقتی کسی گرسنه باشد، (غذا) می‌دزدد.

فیلیس<sup>(۱۰)</sup> (۱۹۹۱) معتقد است که فشار فقر می‌تواند منجر به بی مسئولیتی و در نتیجه سبب انحرافات اجتماعی شود. به نظر وی ایجاد استقلال اقتصادی برای افراد فقیر مهمترین عامل برای ریشه کنی و مبارزه با جرم می‌باشد.

فقر به طور مستقیم و یا غیر مستقیم باعث افزایش فعالیت‌های مجرمانه می‌شود. بنابراین استدلال می‌شود در هر جامعه‌ای، نرخ جرم رابطه مستقیم با نرخ فقر داشته باشد و افزایش فقر منجر به افزایش جرم گردد. همچنین مطالعات تجربی در آمریکا نشان می‌دهد که فقر با برخی از جرایم مانند سرقت نیز رابطه مثبت دارد (اسماعیل زاده، ۱۳۸۷: ۴۱).

## نابرابری اقتصادی - درآمدی

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر جرم، نابرابری اقتصادی است. نابرابری اقتصادی عمدتاً از طریق نابرابری درآمدی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. نابرابری درآمدی نیز همانند فقر بر اساس تعداد افراد ثروتمند به تعداد افراد فقیر تعریف می‌شود (همان، ۴۲).

## بیکاری

بیکاری یکی از متغیرهای مهم کلان اقتصادی بوده و همواره مورد توجه سیاست‌گذاران کشور بوده و هست. این امر به لحاظ اثرات و تبعات منفی اقتصادی- اجتماعی بیکاری حائز اهمیت است. به طور مشخص بیکاری بر بسیاری از پدیده‌های اجتماعی به خصوص جرم تأثیرگذار بوده و از لحاظ مبانی نظری مورد تأیید است.

مطالعات صورت گرفته در آمریکا نیز نشان می‌دهد که علاوه بر اثرات فقر و نابرابری‌های اقتصادی، بیکاری نیز رابطه مثبت و معنی‌داری با جرایم مالی نظیر سرقت دارد. این در حالی است که مطالعات در زمینه نرخ بیکاری و جرایم علیه اشخاص (قتل، ضرب و شتم، ...) دارای نتایج ناسازگاری بوده‌اند (صادقی، شقاقی، ۱۳۸۳: ۶۵-۶۷).

## عوامل کالبدی و جرم

یکی دیگر از عوامل مؤثر در ایجاد امنیت در شهرها عوامل کالبدی است. یعنی چگونگی طراحی شهرها، در افزایش یا کاهش امنیت، تأثیر زیادی دارد.

طراحی شطرنجی شهرها یکی از عوامل تشدید وقوع جرم محسوب می‌شود و میزان امنیت را کاهش می‌دهد. این نوع طراحی، باعث ایجاد فضاهای فرار در شهرها می‌شود و میزان امنیت را کاهش می‌دهد. در ساختار جدید شهرنشینی و شیوه‌ی جدید اسکان و آپارتمان نشینی که در آن افراد نسبت به هم غریبه هستند و همدیگر را نمی‌شناسند، به همین دلیل مجرم به راحتی می‌تواند وارد این بافت‌های شطرنجی شود. جرم خود را انجام دهد و سپس از هر نقطه‌ای که دلش خواست خارج شود. از نظر ترافیکی هم، شبکه شطرنجی مشکل زاست و امنیت شهروندان را با خطر مواجه می‌سازد.



ج- نبود رؤیت بصری

فضاهای گم، همان گونه که از نامشان بر می آید فضاهایی هستند که بنا به دلایل کالبدی، خارج از دید محسوب می شوند. عدم امکان رؤیت بصری به علت نبود روشنایی و آشکار نشدن فرم به علت تاریکی، اولین گام به سوی ایجاد فضاهای بدون دفاع است.

یکی دیگر از عوامل اساسی کاهش امنیت و افزایش جرم محله‌های قدیمی و فرسوده‌اند که به دلیل همین فرسودگی و همچنین فقدان بهداشت، اسکان مهاجران، تراکم و ... به محله‌های جرم خیز تبدیل شده‌اند. در دیگر کشورها از طریق فرآیند اصالت بخشی و برگرداندن هویت قبلی این بافت‌ها به آن‌ها، در امر احیاء و بازسازی این محله‌ها تلاش می‌شود. بر خلاف ایده‌ای که معتقد است برای برطرف کردن مشکل این بافت‌ها باید آن‌ها را تخریب کرد. با سرمایه‌گذاری عمومی در این بافت‌های مسأله دار شهری می‌توان از مشکلات و میزان جرم و جنایت در آن‌ها کاست. تخریب این بافت‌ها، نه تنها باعث پراکنده شدن جرم و جنایت در سطح شهر می‌شود. بلکه موجب تخریب شبکه‌های اجتماعی موجود می‌شود. ذخیره مسکن موجود را کاهش می‌دهد، زیر ساخت‌های این منطقه را تخریب می‌کند و زاغه‌ها و مکان‌های آلوده نشینی را در شهرها ایجاد می‌کند. (اسماعیل زاده، ۱۳۸۷: ۱۷۹-۱۷۷)

## نتیجه‌گیری

امنیت از دیرباز مهمترین دغدغه‌ی انسان‌ها و به عنوان اساسی‌ترین رکن زندگی پس از آب و غذا مطرح بوده است. گستره‌ی نیاز به امنیت وسیع‌تر از آن چیزی است که تصور می‌شود و در نبود آن، امکان رشد و شکوفایی اجتماعی شدیداً محدود خواهد شد.

امروزه درصد بسیاری از مردم جهان به ویژه در کشورهای توسعه یافته در شهرها زندگی می‌کنند و در جوامع در حال توسعه نیز شهرنشینی به شکل شتابان در حال انجام است. ازدحام و شلوغی بیش از حد شهرها از یک سو و ضرورت تأمین امنیت شهروندان از سوی دیگر ایجاب می‌کند که در طراحی و برنامه‌ریزی محیط و فضاهای شهری از اصول و نظریه‌های مطرح در این زمینه جهت پیشگیری از وقوع جرائم و یا تقلیل آن بهره‌جست. از جمله دیدگاه‌های نظری معاصر در جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری که به بررسی جرم می‌پردازند، مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو ورهیاخت پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی است که در تبیین انحرافات اجتماعی بر متغیرهایی که با پدیده‌ی شهرنشینی ارتباط داشت نظیر مهاجرت، حوزه‌های سکونتی، تراکم جمعیت تمرکز نموده‌اند.

جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو از آغاز قرن بیستم برخی از رفتارهای انحرافی نظیر خودکشی، طلاق و فحشا را با هدف درک تأثیر عوامل بوم شناختی نظیر کیفیت محل سکونت، بر بی‌سازمانی اجتماعی و شکل‌گیری بزهکاری مورد مطالعه و تأکید قرار دادند.

از سویی نظریه‌پردازان پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط بر فرصت‌هایی که محیط در اختیار مجرمین قرار می‌دهد تأکید داشتند و جرایم گوناگون را ناشی از فرصت‌های محیطی می‌دانستند و برای بهبود

امنیت فضاهای شهری راهکارهایی چون ایجاد فضاهای قابل دفاع، کنترل دسترسی، بهبود سیستم روشنایی عمومی شهرها، ایجاد فضاهای قابل نظارت و پرهیز از طراحی شهرها به صورت شطرنجی تأکید دارند. همچنین در خصوص بافت‌های ناکارآمد و فرسوده‌ی شهری که مستعد وقوع جرم است، به جای تخریب، بر فرایند اصالت بخشی، هویت بخشی و احیای دوباره‌ی این نواحی اعتبار بیشتری قائل می‌شوند.

## منابع و مأخذ

- احمد آبادی، زهره، صالحی، مریم، احمد آبادی، علی (۱۳۸۷)، رابطه مکان و جرم، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۷.
- احمدی، حبیب. (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: انتشارات سمت.
- اخوان، آرمین؛ صالحی، اسماعیل، (۱۳۸۸)، رویکرد جلوگیری از جرایم از طریق طراحی محیطی (C.P.T.E.D) رویکردی مؤثر در کاهش جرم در محیط‌های شهری، ماهنامه بین‌المللی راه و ساختمان.
- اسماعیل زاده، یعقوب و حسن، (۱۳۸۷)، عوامل مؤثر در کاهش با افزایش امنیت اجتماعی در شهرها، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم.
- بحرینی، سیدحسین؛ تاجبخش، گلناز، (۱۳۷۷)، مفهوم قلمرو در طراحی شهری، نشریه هنرهای زیبا دانشگاه تهران، شماره ۶۰.
- جیسون، سوزان؛ ویلسون، پل آر. (۱۳۸۷)، طراحی محیطی جرم ستیز (پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، ترجمه: محسن کلانتری، ابودر سلامی بیرامی، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، تهران.
- حناچی، سیمین و مژگانی، پروانه، (۱۳۸۷)، پیشگیری از جرایم شهری از طریق طراحی محیطی، همایش ملی پیشگیری از جرم.
- درانی، کمال (۱۳۸۰)، بررسی نمادها و نشانه‌های امنیت در ساختارخیالی و نمادگرایی نوجوانان شهر تهران. مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال ۳۱، شماره دوم.
- ربانی، رسول. (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی شهری، تهران: انتشارات سمت و دانشگاه اصفهان، چاپ دوم.
- زهره احمدآبادی و همکاران (۱۳۸۷)، رابطه مکان و جرم، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم شماره ۲۷.
- سرلک زایی، شریف. (۱۳۸۵)؛ بحران امنیت اجتماعی در ایران: ماهنامه برداشت اول؛ سال سوم، شماره ۲۲.
- سفیری، خدیجه (۱۳۸۷) نقش نهادهای غیردولتی محله‌ای در تأمین امنیت اجتماعی، مجله مطالعات.
- صادقی، حسین، شقاقی، وحید، اصغرپور، حسین (۱۳۸۳)، تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۸.
- طاهری خورانی، زهرا، (۱۳۸۸)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت در بین شهروندان اصفهانی پایانامه کارشناسی ارشد، رشته علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان.
- علیخواه، فردین، مریم نجیبی، (۱۳۸۵)، زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.





ادامه از صفحه ۳۱  
(مقاله: آشکارسازی تغییرات پوشش / کاربری منطقه طالقان)

از طرفی وسعت اراضی کشاورزی به شدت کاهش یافته است که بخشی کوچکی از آن را می‌توان به احداث سد طالقان نسبت داد و بخش عظیمی از آن را می‌توان ناشی از رهاسازی دیم‌زارها دانست که دیگر برای بومیان صرفه اقتصادی نداشتند و این اراضی نیز به مرور زمان به مراتع با تراکم ضعیف تبدیل شدند. بنابراین به منظور احیای اراضی فاقد پوشش پیشنهاد می‌شود طرح‌های مرتع‌داری اجرا گردد و از تغییرات بدون برنامه‌ریزی اجتناب شود.

منابع و مآخذ

- احمدی، حسن. ۱۳۸۵. ژئومورفولوژی کاربردی. انتشارات دانشگاه تهران. جلد ۱، چاپ چهارم. ۶۶۸ صفحه.

- احمدی، احمد، کریم جوائشیر، حسن احمدی و ولی‌الله مظفریان. ۱۳۸۲. بررسی پوشش گیاهی در رابطه با واحدهای ژئومورفولوژی در منطقه بارون. مجله منابع طبیعی ایران، جلد ۵۶، شماره ۱ و ۲. صفحات ۱۰۱-۱۱۷.

- فاطمی نصرآبادی، سیدباقر. ۱۳۸۵. آموزش نرم افزار ENVI (پردازش تصاویر ماهواره‌ای). انتشارات سازمان نقشه‌برداری کشور. ۱۵۰ صفحه.

- حقیقتی، مازان. ۱۳۸۷. تعیین عوامل مؤثر بر تغییر کاربری اراضی و بررسی اثرات اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن (مطالعه موردی: منطقه طالقان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران. ۱۳۰ صفحه.

- خسروانی، زهرا. ۱۳۸۷. بررسی قابلیت تصاویر ماهواره‌ای P5 و P6 در تهیه نقشه مناطق بیابانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد بیابان‌داری، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه صنعتی اصفهان.

- فرجی، معصومه. ۱۳۸۶. بررسی روند تغییرات کاربری اراضی و برآورد پتانسیل تولید علوفه در دیم‌زارهای کم بازده و رها شده حوزه آبخیز طالقان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرتع‌داری دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران. ۱۰۰ صفحه.

- وات، کنت. ۱۳۸۳. مبانی محیط زیست (ترجمه عبدالحسین وهابزاده). انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد. چاپ هفتم. ۳۲۱ صفحه.

- وفاخواه، مهدی. ۱۳۸۷. شبیه‌سازی رواناب حاصل از ذوب برف به کمک شبکه عصبی مصنوعی، منطق فازی و داده‌های اندازه‌گیری برف در حوزه آبخیز طالقان. رساله دکتری آبخیزداری دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران. ۱۱۶ صفحه.

- کیانی، واحد. ۱۳۹۰. ارزیابی تغییرات پوشش/کاربری شهرستان طالقان با رویکرد بوم‌شناسی سیمای سرزمین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد محیط زیست دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران. ۹۲ صفحه.

- Amirnejad, H., Khalilian, S., Mohammad H., A, Ahmadian, M. 2006. Analysis Estimating the existence value of north forests of Iran by using a contingent valuation method. Journal of Ecological Economics, 58: 665- 675.

- قورچی بیگی، مجید، (۱۳۸۶)، راهبردهای کاربردی CPTED برای پیشگیری از جرم در مناطق مسکونی، مجله فقه و حقوق، سال چهارم، شماره ۱۵.

- کلارک، رونالد (۱۳۸۷)، نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی، ترجمه: محمدحسن جعفریان، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال سوم، شماره ۳.

- کلانتری، محسن (۱۳۸۰)، بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تهران.

- کلانتری، محسن و توکلی، مهدی، (۱۳۸۶)، شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم‌خیز شهری، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، نشریه پلیس پیشگیری نیروی انتظامی، سال دوم، چاپ دوم

- گروسی، سعیده و جلال میرزایی و احسان شاهرخی. (۱۳۸۶)، بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد جیرفت)، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره دوم.

- گلدوزیان، ایرج (۱۳۶۹)؛ حقوق جزای عمومی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

- محمودی نژاد، هادی؛ (۱۳۸۶) جلوگیری از جرایم شهری از طریق طراحی محیطی بازخوانی حفاظت محیطی، مجله شهرسازی و معماری سنتی شماره ۱۶.

- میرعرب، مهرداد. (۱۳۷۹)، «نیم‌نگاهی به مفهوم امنیت»، مجله علوم سیاسی؛ سال سوم، شماره نهم.

- ویلسون، جیمز، کلینگ جرج، (۱۳۸۲)، تئوری پنجره‌های شکسته، ترجمه: محمد صدری توحیدخانه، مجله حقوق قضایی دادگستری، شماره ۴۳.

-Clarke.R.V.(Ed)(1997).Situational, crime Prevention:Successfucose

-Poyner.B.(1991).Stuational Crime Prevention in Two Parking facilities Security Journal.vol.2No.1.

-Spelmab,W(1993).Abandoned buildings. Magets for Crime? Studies.2ed .Harrow and Hemton. Newyork. NY.Journal of Criminal Justice.vol21 No.3.

پی‌نوشت

- 1-Sociability
- 2-R.E.Park
- 3-E.W.Burgess
- 4-Anxiety
- 5-Fears
- 6-Defensible Space
- 7-Signs of Neighborhood Watch
- 8-Laycock
- 9-Bonger
- 10-Philips